

امکان و استحاله استناد به قرآن از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام در نهج البلاغه

مجتبی محمدی مزرعه شاهی^۱، مجتبی انصاری مقدم^۲، رضا اسحق مسکونی^۳، مهدیه اسحق مسکونی^۴

^۱ استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

^۲ دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

^۳ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد نهج البلاغه دانشگاه کاشان

^۴ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

امیرالمومنین علیه السلام در سخنان خود به طور عام و در نهج البلاغه به طور خاص اشارات زیادی به فضائل قرآن کریم نموده‌اند و در جمع میان منابع مورد استناد، اصالت را به قرآن داده‌اند. در مجموع سخنان امیرالمومنین علیه السلام می‌توان فهمید که قرآن کریم کتاب هدایت، وسیله جدایی حق از باطل و استناد به آن برای آن کس که با محتوای قرآن آشنا باشد، باعث پیروزی است. در برابر این همه اشارات زیبا، حضرت در خطاب به ابن عباس زمانی که او را برای محاجه باخارج می‌فرستند به او توصیه می‌فرمایند، «لا تخصمهم بالقرآن فإن القرآن حمال ذو وجوه تقول و یقولون و لکن حاججهم بالسنة فإنهم لن یجدوا عنها محیصا» با آیات قرآن با آنها محاجه نکن، چرا که قرآن تاب معانی مختلف و امکان تفسیر گوناگون دارد تو چیزی می‌گوئی و آنها چیز دیگر، لکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنها بحث نما که در برابر آن پاسخی نخواهند یافت. حال این شبهه پیش می‌آید با اینکه قرآن کریم کتاب هدایت است، پس چرا نمی‌توان گروهی گمراه را با استناد به آن هدایت کرد؟! این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چرا حضرت در نامه ۷۷ نهج البلاغه ابن عباس را از احتجاج به قرآن باز می‌دارد در حالی که سایر نامه‌ها، حکمت‌ها و خطبه‌ها افراد را به قرآن و استناد به آن فرا می‌خوانند. در این جستار که به روش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعات منابع دینی است به این نتیجه رسیده‌ایم که امیرالمومنین علیه السلام بنا به دلایلی خاص ابن عباس از احتجاج به قرآن با خوارج منع کرده‌اند که بخشی از این دلایل عبارتند از: احتمال صراحت در مقصود نداشتن برخی آیات قرآن کریم مانند «لیس کمثله شیء»، احتمال به نتیجه نرسیدن بحث با خوارج از طریق قرآن کریم، احتمال معنی کردن و تاویل آوردن برای قرآن برحسب امیال و نظرات فردی، صراحت در مقصود داشتن سنت مانند این روایت که «علی با حق است و حق با علی است» که هیچ جای بحثی باقی نمی‌گذارد، تاویلات گوناگون داشتن قرآن که هر کس یک تاویل آن را بیان می‌کند، وجود آیات متشابه در قرآن که منظور آنها مشخص نیست. همه این دلایل باعث شده تا امیرالمومنین علیه السلام احتجاج با سنت را در بحث با خوارج به احتجاج با قرآن ترجیح دهند.

واژه‌های کلیدی: امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، نامه ۷۷، قرآن کریم، امکان و استحاله، استناد به قرآن.